

حسین شجاعی

تپه سیمی

شهری در ایران باستان

دولت عیلام و همسایه مشهور تر آن سومر در زمزۀ کهنسال ترین کشورهای متمندی بودند که در خلال هزاره چهارم پیش از میلاد در سرزمینهای خوزستان و بین‌النهرین طلوع کردند. هم اکنون کاوش‌های باستان‌شناسی نشان میدهند که قلمرو تمدن کشور عیلام تا مسافت پانصد مایل (کمی بیش از هشتصد کیلومتری) شرق آن سرزمین را نیز در بر گرفته بود. ناحیه کوهستانی جنوب شرقی ایران که در فاصله ۶۰ مایلی (حدود ۹۶ کیلومتر و نیم) دریای عمان قرار دارد محلی بود که از ۳۴۰۰ سال پیش از میلاد به مدت ده قرن دو میلین مرکز مدنیت عیلام بشمار میرفت.

آنچه امروزه از شهری که روزگاری در حد فاصل رود فرات و درۀ سندواقع بود بر جا مانده تپه خاکی عظیمی است که ارتفاع آن از سطح دریا ۴۵۰۰ پا (۱۳۷۱ متر و نیم) بوده و در درۀ صوغان به مسافت ۱۵۰ مایلی (حدود ۲۶۱ کیلومتری) جنوب کرمان قرار

دارد. این مکان در محل به «تپه یحیی» مشهور است، بلندی آن ۶۰ و قطر دائرة آن ۱۰۰۰ پا (مختصری بیش از 182×182 متر) میباشد. مدارک آثار زندگی در این تپه بایک دهکده دوره نوسنگی به قدمت ۶۵۰۰ سال آغاز میگردد و به یک ارگ ساسانی پایان می‌پذیرد (سلسله‌ای که در آغاز دوران مسیحیت برایران فرماتروائی داشت). آثار طبقات میانی تپه یحیی وجود روابطی بین این شهر خاوری عیلامی را با مرکز فرهنگی با ختری آن‌کشور تائید می‌کند. اینگونه مدارک و شواهد ارزشمند باستان‌شناسی از نظر بررسی فرهنگ بشری از عصر کشاورزی تا عهد شهرنشینی اعتبار فراوان دارد لیکن سه موضوع غیرمنتظره باعث اهمیت بیشتر تپه یحیی گردیده است:

نخست نوشه‌های لوحه‌های گلی که در یکی از طبقات پائین تپه بدست آمده و آزمایش کرده ۱۴ بروی مواد آلی پیشینه آنرا به پیش از سال ۳۵۶۰ (+۱۱۰) قبل از میلاد می‌ساند. این لوحه‌ها دارای خطوط معروف به پرتو عیلامی هستند. کتیبه‌های عیلامی و سومری قدیمی ترین خطوطی است که تاکنون در نقاط دیگر نشانی از آن بدست نیاورده‌اند.

لوحة‌های تپه یحیی در ردیف نخستین نمونه‌هایی بشمار می‌رود که میتوان قدمت دقیقی برای آنها تعیین نمود و از این بابت نظیر ندارد. شگفت اینست که چنین نوشه‌هایی (قدیمی ترین نوشه‌های شرقی که تاکنون شناخته شده است) در محلی بدین دوری از سرزمین بین‌النهرین پدیدار گشته است.

دومین مطلب شگفت‌آور کشف اطلاعاتی در مورد روابط بازرگانی بین عیلام با کشور سومر از لحاظ کالائی است که کمتر مورد داد و ستد واقع بود و این کالا بنام استی تایت Steatite می‌باشد که بصورت تخته سنگی است که بسهولت آنرا می‌تراشند و بسنگ

صابون شهرت دارد و بخش عمدۀ تجارت تپه یحیی را تشکیل میداده است بخلاف سومر که محصور در دشت‌های سیل‌خیز است، سرزمین عیلام کشوری بود کوهستانی و سرشار از منابع طبیعی. صادرات عیلام به سومر عبارت بود از: نقره، مس، قلع، سرب، گوهرهای قیمتی، اسب، چوب، ابسیدین، مرمن سفید، دیوریت و سنک صابون. کشف این مسئله که تجارت سنک صابون برای سومر از تپه یحیی که تا این حد دور و در جانب شرق آن کشور واقع بود صورت میگرفته است اطلاعات ما را در مورد بازرگانی هزاره چهارم پیش از میلاد کامل‌تر میکند.

سومین مطلب اینکه کشف تپه یحیی بر اطلاعات مادر خصوص حدود کشور باستانی عیلام می‌افزاید. شوش، مشهورترین شهر عیلام از مرآکز مهم سومری همچون اور «ur» واریدو Eridu چندان مسافتی نداشت، در صورتیکه شهرهای دیگر عیلام که دریکی از کتبیه‌ها ذکری از آن‌هارفت (از قبیل آوان «awan» یا ماداکتو «Madaktu») محل اصلی‌شان هنوز معلوم نیست، کشف شهر عیلامی آبادی چون تپه یحیی در چنین مسافت دوری در مشرق بین‌النهرین بسیار - شگفت‌انگیز و غیر مترقبه و در عین حال تا اندازه‌ای راه‌گشا است، و این مطلب دال برآنست که چگونه تمدن‌های شهری که در عیلام و بین‌النهرین سفلی طلوع کرد از جانب خاور تا دره‌ستدره یافت. سراورل اشتبین مکتشف و باستانشناس انگلیسی تختین کسی است که خاطرنشان نمود که جنوب شرقی ایران از نظر دارا بودن آثار پیش از تاریخ ناحیه مهمی است - دانشمند نامبرده در ۱۹۳۰ میلادی (۱۳۰۹ خورشیدی) دو محل را مورد بررسی قرار داد یکی تل‌ابلیس نزدیک کرمان و دیگری بمپور در بلوچستان - تل‌ابلیس اخیراً توسط ژوف کالدول از دانشگاه جورجیا و بمپور توسط

کادری از انجمن باستان‌شناسی بریتانیا مورد کاوش واقع شد. تپه یحیی اگرچه بزرگترین تپه باستانی در جنوب شهری ایران است تا تابستان ۱۹۶۷ (۱۳۴۶ خورشیدی) ناشناخته بود و در این سال در خلال بررسیهای باستان‌شناسی از طرف موزه پی‌بادی دانشگاه هاروارد کشف گردید.

تاکنون سه موسم حفاری بامشارکت اداره باستان‌شناسی ایران در تپه یحیی انجام یافته و شش دوره اسکانی مهم در آن تشخیص دادیم. این معوطه باستانی تقریباً بطور مداوم از نیمه هزاره پنجم پیش از میلاد تا ۰۰۴ پس از میلاد مسکون بوده است. در پایان دوره عیلام یعنی حدود ۲۲۰۰ پ.م و قله‌ای بمدت ۱۰۰۰ سال در تپه یحیی مشاهده می‌شود که دلیل آن هنوز روشن نیست. بهر حال تپه یحیی تا ۱۰۰۰ پ.م غیرمسکون باقی ماند تا اینکه مجدداً توسط مردمی که دارای فرهنگ عصر آهن بودند مورد سکونت قرار گرفت.

قدیمی‌ترین نشانه‌های سکونت بشری در تپه یحیی که روی خاک بکر وجود دارد تعدادی خانه‌های کوچک خشتی است که آثار باقی مانده آنها در پنج لایه رویهم قرار گرفته است آزمایش کرbin ۱۴ ثابت کرد که قدیمی‌ترین این آثار مربوط به نیمه هزاره پنجم پیش از میلاد است و بنای‌های آن دوره کمین بصورت معوطه‌های کوچک چهارگوشی بود و اندازه هر ضلع آن به حدود پنج فوت (یک مترا و نیم) می‌رسد. اغلب اطاق‌ها فاقد درگاه است و ورود و خروج احتمالاً از طریق روزن موجود در سقف صورت می‌گرفت. دیوارها از خشت‌هایی است که با دست تهیه کرده و در آفتاب خشک کرده‌اند. وجود قطعاتی از چوب، نی و حصیر در کف اطاق‌ها نشانه‌ای از سقف‌های فرو ریخته است. آلات واپزار پائین‌ترین لایه یعنی دوره ۶ (عصر نوسنگی) از استخوان و سنک چخماق ساخته و پرداخته شده

و قطعات سنک چخماق آن بسیار کوچک است — این قطعات بصورت لبه هائی است که یک دسته استخوانی بدان افزوده اند . ظروف سفالی از سفال نوع خشن ساخته شده خمیر مایه آن مخلوط باکاه است . ظروف نامبرده بصورت ساغرها و خمره های بزرگ بوده و رنگ آنها قرمز است . در اوآخر دوره ۶ قطعاتی از ظروف سفالی طریف ظاهر میشود ، از جمله یک ظرف نخودی با رویه ای صاف و ظرف دیگری بانقوش بر زمینه سیاه ، در زیر کف بعضی از اطاق ها استخوان های انسانی بدست آمده که همه آنها مربوط به کودکان هست . پیش از دفن اندام در گذشتگان را بطرف تن جمع میکرند — همراه با استخوانها ساغر هائی از نوع ظروف خشن قرار داشت . در کف یکی از اطاقها روی مجموعه ای از سنک چخماق واستخوان یک پیکره (مجسمه) کوچک بدست آمد . درازی این پیکره ۱۱ اینچ (قریب ۳۰ سانتیمتر) و جنس آن سنگ صابونی سبز تیره است . نحوه تراش و طرح این پیکره حالت زنانه دارد ، لیکن کشیدگی و باریکی آن و وجود حفره ای در بالای سر پیکره مظہر دوگانه ای را بینماید که آمیخته ای از صفات مردانه و زنانه است .

ظاهرآ فرهنگ نوسنگی دوره ۶ نمودار فعالیت های کشاورزی و دامپروری بوده است . استخوانهای بدست آمده مربوط به غزال وحشی ، گاو ، گوسفند و بز است . استخوان شتر نیز بدست آمده ، نکن معلوم نیست که این حیوان در این دوره اهلی شده بود یا خیر . رستنی ها شامل انواع غلات و حبوبات است . امروزه در اراضی تپه یحیی محصولات بطریق آبیاری کشت میشود ، ولی معلوم نیست که در دوره نوسنگی نیز همین روش جاری بوده یا نه بهر حال اسکان نوسنگی در این تپه تقریبا تا ۳۸۰ پیش از میلاد ادامه داشت .

انتقال از دوره ۶ به عهد مفرغ قدیم بدون هیچگونه وقفه ای

صورت گرفت . بناهای دوره ۵ (عهد مفرغ) سفالهای خشن نوع پیشین را نیز در بردارد ، سفال ظریف منقوش بیشتر معمول شده و شامل انواع جدیدی است . نوعی از این سفال دارای زمینه قرمز و تزئین هندسی مرکب از خطوط منکسر سیاه رنگ شبیه (۸) است . ما این سفال مشخص را که با نقوش سیاه برزمنه قرمز است « سفال یحیی » نامیده و اشیاء مکشوفه از دوره ۵ را « آثار تمدن یحیی » می خوانیم . رایج‌ترین نمونه ظروف یحیی ساغرهای سغالین است . این ظروف غالبا دارای علامتهای استادان‌سازنده در قسمت قاعده آنها است و تاکنون استنباط مآنست که این علام نشانه‌های ویژه و مشخصی نیست . دلیل این موضوع که روابط خارجی و تجارت بخشی از زندگی عصر مفرغ قدیم تپه یحیی رامی نمایاند از طریق کشف تل ابلیس بدست آمد . تل ابلیس در ۱۰۰ مایلی (نزدیک ۱۶۱ کیلو متری) کرمان قرار دارد . مشخص‌ترین وجه تشابه بین تپه یحیی و تل ابلیس نمونه‌های سفالهای منقوش دارای علامتهای استادان‌سازنده آنها است . نشانه‌های دیگری از روابط ناحیه‌ای وجود دارد ، ظروف یحیی مشابهت‌هایی با ظروف منقوش نقاط دیگر جنوب خاوری ایران دارد .

ادوات مفرغی دوره ۵ مانند بسیاری از قدیم‌ترین لوازم مفرغی جهان نه تنها از طریق ترکیب فلزات تهیی می‌گشت بلکه بوسیله استفاده از سنگ مس محتوی عناصر دیگر نیز ساخته میشد ، نظری همین‌کار در سومر قدیم با سنگ‌های معدنی وارد از عمان انجام می‌گرفت ، سنگ‌های مزبور محتوی درصد فراوانی نیکل بود . مفرغ سازان باستانی مناطق دیگر سنگ‌های معدنی مس را که دارای ترکیب فراوانی از ارسینک بود می‌گذاشتند ، اسکنها ، درفش‌ها ، سنjac‌ها و مرهم‌کش‌های تپه یحیی از این گونه مفرغهای ارسینک دار ساخته شده است .

شش شیئی مفرغی مکشوفه از تپه یحیی توسط متخصصان مورد آزمایش قرار گرفت ، در این آزمایش معلوم شد که اشیاء مزبور از طریق گداختن تهیه شده بود ، و این مطلب دال برآنست که فلز کاران دوره ۵ قادر بودند حرارت زیادی که لازمه گداختن سنگهای معدنی مس و تبدیل آنها به فلز ریختگی است ایجاد نمایند . با وجود این نمونه های آخر این دوره از طریق ریخته گری ساخته نشده ، بلکه در کوره های سرد و گرم یعنی با همان شیوه های فنی اولیه ساخته شده است . با آزمایشی که روی یک اسکنه صورت گرفت معلوم شد که محتوی ۳۷ درصد آرسینک میباشد و این مطلب می رساند که فلز کاران به چگونگی فن آگاه بودند و جهت گداختن ، سنگهای را انتخاب میکردند که محتوی مقادیر زیادی آرسینک باشد . این مطالب جملگی مسئله تجارت را در تپه یحیی تائید میکند ، زیرا هیچ یک از معادن محلی این ناحیه سنگهای معدنی محتوی آرسینک بادرصد زیادی نیست .

با شروع دوره ۴ ، حدود ۳۵۰۰ پیش از میلاد ، ظهور خط در تپه یحیی این امر را ممکن میسازد که شهر مزبور بعنوان یک جایگاه پر تو عیلامی قلمداد گردد . بیشتر سفالهای مکشوفه از دو مرحله تھاتی این دوره از لحاظ شکل و تزئین مشابه نوع سفالهای تمدن یحیی است . با وجودی که مدارک فراوانی از درگیریهای خارجی وجود دارد ، معندا انتقال بدورة ۴ در تپه یحیی همچون دوره قبلی بدون هرگونه وقفه ای صورت پذیرفت . معماری به نحو قابل ملاحظه ای تغییر شکل یافت ، بنابراین حالت خانگی خارج شده و تبدیل بیک ساختمان اداری گردید . ساختمان بزرگی که متعلق به دوره IV-C است دارای دیوارهای باجهات شمالی - جنوبی و شرقی - غربی بوده و دیوارها از سه ردیف خشت ترکیب شده است . تاکنون

در این ساختمان بزرگ پنج اطاق مشخص شده است و فقط قسمتی از یک اطاق را کاوش کردیم . بخشی از این اطاق که ابعاد آن ۲۰×۱۰ فوت (حدود ۶×۳ متر) است اشیائی در بردارد که قویاً مؤید نقش بازرگانی بنای است . در این اطاق خمره ۳ خمره بزرگ خالی پیدا شد ، نردیک خمره ها ۲×۴ مهرگلی و تعدادی مهر استوانه ای بدست آمد . طرح این مهرها مشابه مهرهای مکشوفه از شوش آست . این کشف تأیید کننده آنست که از شوش کالاهایی به تپه یعیی صادر میشد . در کف اطاق مزبور ۸×۴ لوح ساده گلی و ۶ لوح گلی نوشته قرار داشت لوحها جملگی یا شکل بوده و از گل تیخته تیره قهقهه ای ساخته شده اند اندازه هر یک از آنها $۲ \times ۱ \frac{1}{2}$ اینچ (قریب ۶×۴ سانتیمتر) است . ۶ لوح گلی نامبرده جمعاً ۱۷ سطر نوشته پر و توعیلامی دارد . این نوشته روی گل نرم و باقلم نقر شده ، واژراست به چپ از بالا به پائین خوانده میشود . اکنون نوشته های تپه یعیی از صورت رمز بدرآمده ، پژوهش های مقدماتی دال برآنست که این مطالب گزارشها یارسیدهای مربوط به امتعه و کالاهاست . بدست آمدن لوحهای نوشته دارو ساده در یک اطاق این مطلب را تأیید میکند که عمل نوشتن در همین محل صورت گرفته است ، بنابراین کالاهایی که در نوشته ها ذکری از آنها رفته میباشیستی بدین مکان وارد و یا از این محل صادر شده باشد . پیش از کشف لوحها در تپه یعیی فقط در شوش و سیلک از این گونه لوحها بدست آمده بود . از شوش ۱۵۰۰ لوح پر و تو عیلامی واز سیلک فقط ۱۹ لوح کشف گردید . اخیراً در شهداد ، واقع در شمال کرمان که کاوش های از طرف اداره باستانشناسی ایران صورت گرفته است نوشته نوع پر و تو عیلامی بدست آورده اند ، خطوط شهداد روی لوح نیست بلکه بصورت نوشته های کوتاهی است حداقل با ۷ علامت که روی سفال کنده شده اند .

دومین تغییر شکل در معماری ساختمان منفرد دوره IV-B که تا کنون کاوش شده کاملاً آشکار است. این بنا محوطه‌ای به اندازه ۲۴×۹ فوت (حدود $\frac{۷}{۳} \times ۷$ متر) را در برگرفته و جهت آن شمالی-جنوبی-شرقی-غربی نیست. بنای نامبرده را با خشت‌های به اندازه‌ها و شکل تازه ساخته‌اند. خشت‌ها مستطیل شکل به درازی ۱۴ تا ۱۷ اینچ (قریب ۴۵×۳۷ سانتیمتر) است، این ساختمان از دو اطاق اصلی و چند اطاق کوچک‌تر که محتوى مخازن بزرگی است تشکیل می‌شود. دیوارها از یک ردیف خشت ساخته شده، بدنه داخلی دیوارها پوشیده‌از انود است. ظروف موجود در یکی از اطاق‌های اصلی هنوز محتوى حبوبات است، دانه‌های حبوبات سوخته شده است. حصیرهای موجود در کف و خشت‌های روی دیوار که سوخته دال این حقیقت است که ساختمان مورد بحث در اثر آتش‌سوزی ویران گشته است. در میان زباله‌های کف اطاق‌ها مهرهای استوانه‌ای بدست آمد این مطلب برای نخستین بار در تپه یحیی مشاهده گردید. ضمناً مهرهای مسطح یا دکمه‌ای نیز در این نقطه بدست آمد.

تعدادی لوازم مفرغی از دوره IV-B بدست آمده که بصورت سوزن و اسکنه همراه با اشیائیکه از سنگ صابونی ساخته بودند بدست آمد. احتمالاً این اشیاء مفرغی برای تراش سنگ صابون بکار میرفت. یک خنجر مفرغی نیز بدست آمد که مطبق تشخیص کارشناسان آنرا بوسیله چکش کاری و کوفتن فلز ساخته‌اند، لوازم مفرغی دوره ۵ نیز بهمین طریق تمییه می‌شد. آزمایش‌های که بر روی خنجر نامبرده انجام دادند ثابت کرد که بخلاف اشیاء مفرغی دیگر این خنجر ترکیبی از قلع به مقدار سه درصد است، با توجه به اینکه در این بخش از ایران قلع یافت نمی‌شود، لذا این خنجر را

میباشد از جای دیگر به تپه یحیی آورده باشند.

اثبات اینکه خطوط مکشوفه از تپه یحیی بهمان قدمتی است که در جاهای دیگر شناخته‌اند کشف با اهمیتی در پیش از تاریخ ایران محسوب میشود. مساله دیگر، احتمالاً فراوانی مدارکی دال بریک واحد اقتصادی شهری است که او اخر هزاره چهارم پیش از میلاد به ظهر میرسد. آزمایش کربن ۱۴ ثابت میکند که دوره B-IV در تپه یحیی از او اخر هزاره چهارم تا ابتدای سده دوم هزاره سوم بطول انجامید. در طی این دوران شهر نامبرده مرکز مهمی جهت تهیی اشیاء ساخته شده از سنگ صابونی بود.

اشیائی که از سنگ صابون ساخته شده بصورت مهره‌های ساده تا ساغر های جالب بوده و جملگی شباهت بسیار به اشیاء مشابهی دارد که در دورترین مراکن تمدن دوران مفرغ همچون موالنجودارو، مرکز تمدن هارا پا در دره سند و همچنین در ماری واقع در بین النهرين مشاهده گردیده است. ناحیه بین النهرين از لحاظ منابع طبیعی سنگ صابون فقیر بوده و دره سند نیز محصول قابل ملاحظه‌ای از این گونه نداشت بنابراین از چه محلی این محصول خارجی را تهیی میکردند. منابع سومری و آکادمی برای تهیی مواد اولیه بعضی از اشیاء لوکس از مکانهای ناممیرنده که امروزه معنی روشن نمیدهد و محل فعلی آنها مشخص نیست، از قبیل دیلمون Dilmun ، مالوها و ماگان Magan . پژوهش‌های انجام شده توسط دانشمندان دانمارکی در جزیره بحرین ثابت کرده که این جزیره همان «دیلمون» باستانی است. ضمناً اعتقاد عمومی براین است که مالوها در نقطه‌ای در دره سند قرار دارد.

پیش از آنکه کاوش تپه یحیی را شروع کنیم تصور میشده که ماگان در جنوب شرقی ایران واقع است. کاوش‌های مابطэр قابل

ملاحظه‌ای به این فرض قوت‌بخشیده است . در یک متن ناقص سومری چنین آمده است: «ممکن است سرزمین‌ماگان برای شما مس فراوان و مقادیر زیادی دیوریت و سنگ شاماش (ارمن) آورده» آیا امکان دارد که مقصود از سنگ شاماش همان سنگ صابون باشد؟ . آیا تپه یعیی و سرزمین‌های اطرافش مرکزی برای این تجارت بود؟ بهتر است این مدارک را در محل حفاری جستجو کنیم .

اشیاء سنگ صابونی در تپه یعیی بیش از هر نقطه دیگری در خاور میانه بدست آمده و تعداد آن بیش از ۱۰۰۰ قطعه است که قسمت اعظم آن به دوره IV-B تعلق دارد . این قطعات به صورت، مهره، دکمه، مهر استوانه‌ای، پیکره و جام مشاهده شده است . قطعات ناتمام و ناقص می‌رساند که تپه یعیی مرکز تولید اشیاء سنگ صابونی بوده و صرفاً یک منطقه واسطه‌ای و انتقالی شمرده نمی‌شده است تعداد اندکی از ساغر‌ها ساده و لیکن قسمت اعظم آن دارای کنده‌کاریهای استادانه‌ای است . این تزئینات بصورت هندسی و طرحهای منحنی و نقوش حیوانی و تصاویر انسانی است . در میان آنها نمونه‌هایی از طرحهای اصلی وجود دارد که در ساغر‌های سنگ صابونی متعددی که در دوران مفرغ در بین النهرين و دره سند مورد کاوش قرار گرفته نمودار گشته است . علاوه بر آن طرحهای موجود در سفالهای مکشوفه از نقاطی همچون بمپور در شرق تپه یعیی و در «اماننای» در خلیج فارس در ساغر‌های سنگ صابون دوره IV-B تکرار شده است .

در خلال کاوش‌های ۱۹۷۰ (۱۳۴۹ خورشیدی) محل یکی از نقاطی را که احتمالاً معدن سنگ صابون تپه یعیی بود، کشف کردیم . بریک صخره مشخص در کوههای آشین واقع در ۲۰ مایلی (کمی بیش از ۳۲ کیلومتری) تپه یعیی آثاری از کندوکاو و تراش خورده‌گی در

عهد باستان نمودار است. بعید بنظر میرسد که منابع تولید فقط همین یک محل بوده باشد. رگه‌های سنگ صابون اغلب همراه با پنبه نسوز و کرومیت است، در ۱۰ مایلی (مختصراً بیش از ۱۶ کیلومتری) تپه یحیی یک معدن سنگ‌کرومیت وجود دارد. رگه‌های پنبه نسوز را در سنگهایی که در خلال کاوش بدست آمد مشاهده کردیم. با بررسی در کوههای شمالی این منطقه امکان دارد که منابع دیگری را مشخص نمائیم.

با توجه به مقادیر معتبرابه از اشیاء ساخته شده از سنگ صابونی مکشوفه از تپه یحیی وجود مدارکی که این اشیاء در این محل تهییه می‌شده و تکرار طرحها و عناصر تزئینی ساغرهای تپه یحیی در اشیاء مشابه آنها در بین النهرین و هارپا نتیجه می‌گیریم که تپه یحیی تهییه کننده عمدہ سنگ صابون و مرکز این تجارت بوده است.

دوره ۴ تا ۲۰۰ پیش از میلاد بطول انجامید. بعد از آن وقفه‌ای در تپه یحیی ملاحظه می‌شود. سکونت مجدد در این محل مربوط به عهد آهن است که تقریباً از ۱۰۰۰ تا ۵۰۰ سال پیش از میلاد آغاز داشته و دوره سوم را در بر می‌گیرد. صفت مشخصه این دوره بناها و سفال‌هایی است که شباهت زیادی از حیث شکل و تنوع با اشیاء مشابه خود در ناحیه شمال غربی ایران در عهد آهن دارد. طبیعت این فرهنگ و ارتباط این آثار با آثار عصر آهن نقاط مجاور هنوز روشن نیست.

دوره ۲ در تپه یحیی حدود ۲۰۰ سال طول کشید و مربوط به عهد هخامنشی است. از این دوره یک ساختمان بزرگ بدست آمده که مصالح آن از خشت است. تاکنون دو اطاق از این ساختمان کاوش شده، مدارک موجود میرساند که این ساختمان یک بنای مسکونی بوده است.

کتابخانه مدرسه فرهنگ

آخرین دوره فرهنگی تپه یحیی، حدود ۶۰۰ سال بطول انجامید

و مر بوط به دورانهای اشکانی و ساسانی است و دوره ۱، را شامل میشود. از این دوره قسمتهایی از یک مجموعه ساختمانی را که محتوی حیاطها و یک سکوی خشتی بزرگ مرکب از چهار ردیف خشت است مورد کاوش قراردادیم. این مجموعه که بخشی از آن آشکار گردیده احتمالاً ارگی بوده که در بالای تپه ساخته بودند. بیشتر سفالهای عصر ساسانی بصورت خمره‌هائی با بدنه ضخیم است. فراوانی مهره‌ها و بطری‌های سفالی و شیشه‌ای که شاید عطردان بوده است از بهبود وضع اقتصادی این دوره حکایت می‌کند. وجود شمشیرهای آهنی، مفرغی، تبرها و پیکان‌ها دلیل بر یک موقعیت نظامی است. از این دوره یک اثر بر جسته هنری بصورت یک پیکره کوچک گلی داریم که یک مرد جنگی را بایک سربند نشان میدهد. پس از این دوره ششصد ساله در طول مدت زمان کوتاهی حدود قرن پنجم میلادی این تپه توسط اقوام خانه بدوش مورد سکونت قرار گرفت. از اوایل عصر اسلامی فقط قطعات پراکنده‌ای از اشیاء این دوره وجود دارد و هیچگاه این محل مورد سکونت قرار نگرفته و مطلب مهمی از این عهد در دست نیست.

کتابخانه مدرسه فرهنگ

تپه یحیی چه نقشی در انتقال سنت‌های فرهنگی از شرق به غرب داشته است؟ اکنون مسلم گردیده فرهنگ عیلامی که بیشتر از آنچه پیش از این تصور میرفت، دامنه داشت و سیله سودمندی برای رابطه بین نخستین تمدن‌های بین‌النهرین و فرهنگی که بعدها در دره سند ظهور کرده است، بود. بنظر میرسد که عیلامیان خاور ایران احتمالاً از آنچه قبل از تصور میرفت متقدم‌تر بوده‌اند جهت ارزیابی این مسئله باید مدارکی برای این رابطه مستقیم مورد پژوهش واقع شود و هم‌چنین کیفیت بازارگانی بین‌دره سند و بین‌النهرین کشف گردد. تعدادکمی اشیاء هنری متعلق به هارپا در نقاط پاستانی

بین النهرین بدست آمده است و چون قسمت اعظم کارهای باستان‌شناسی آن سامان حداکثر تایک قرن پیش صورت گرفته است شگفت‌نخواهد بود درباره محل اصلی و درجه قدمت چنین آثاری بطور ناقص اظهار نظر گردد – در بین النهرین ۶ مهر مسطح و دکمه‌ای و یک مهر استوانه‌ای از نوع هاراپائی بدست آمده است و این اشیاء دلالت بر نوعی رابطه بین تمدن‌های نامبرده میکند. تعدادی از این مهرها دارای خط هاراپائی بوده و بقیه نوشته‌های همراه با تصاویر انسانی دارد که سبک آنها بدون چون و چرا هاراپائی است. از قبیل یک اسب شاخدار فیل و کرگدن، که تمام آنها نشانه رابطه بین نواحی یاد شده است اما معلوم نیست که این روابط مستقیم بود یا غیرمستقیم. از قرار معلوم رابطه بین دره سند بین النهرین همانند روابط بازرگانی بین النهرین باکشور هیتی‌ها نیست. همچنین مدارکی تا کنون بدست نیامده که مردم بین النهرین به دره سند مسافرت کرده یا در منطقه‌ای از آن ساکن شده و به کسب تجارت مشغول شده باشند و یا اینکه عکس مردم هاراپا بدین عمل مبادرت ورزیده باشند. بنابراین مهرهای بازرگانان هاراپا در بین النهرین چه نقشی داشته است؟ نقش ۳ مهر که در اور بدست آمده و دو مهر که در کیش و دو دیگر که در تل اسمر پیدا شده است چه بود؟ تاکنون جواب قانع‌کننده‌ای برای پاسخ بدین پرسشها بدست نیامده است. تعدادی اشیاء دره سند را در بین النهرین یافته‌اند، چرا از همان نوع اشیاء ساخت بین النهرین در هیچ یک از نقاط دره سند بدست نیامده است؟

مدارکی دال بر تجارت مستقیم بین دو تمدن سند و بین النهرین با توجه به آثار و علائم مکشفه بطور کلی بدست نیامده است. یکی از طرق تجارت که خیلی قدیمی و معمول بوده سیستم ساده

مبادله است . موقعیت تپه یحیی ایجاد میکند که این چنین روشی در آنجا برقرار بوده باشد و تصور میرود که تپه یحیی مرکزیت بازرگانی در جنوب شرقی ایران طی حکومت عیلامیان را داشته است .

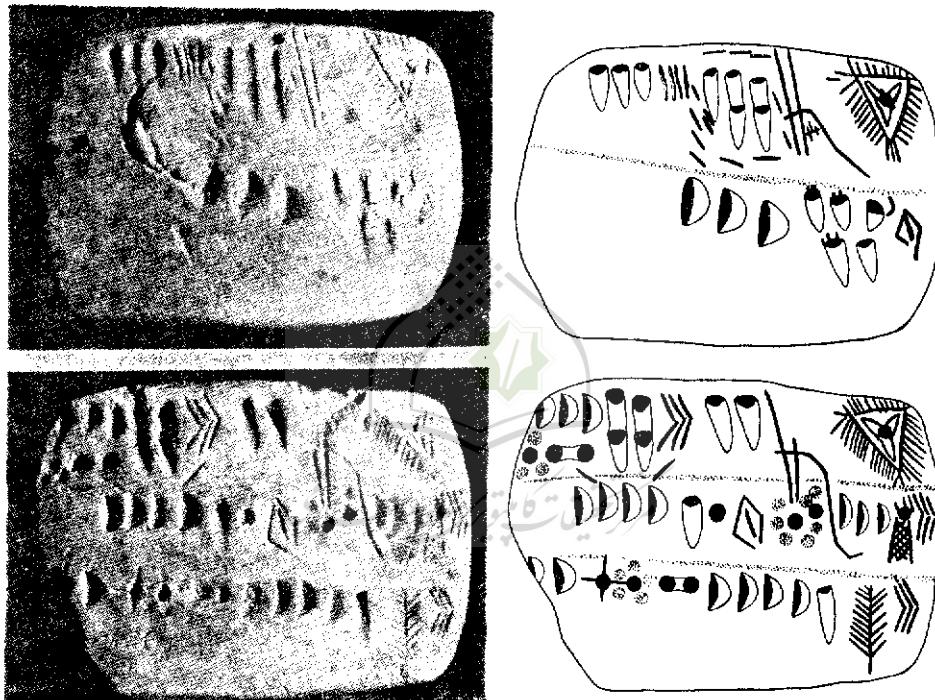
نام نقاط باستانی بینالنهرین که دارای ساغرهای سنگ صابونی مشابه ساغر های تپه یحیی از حیث طرح و ترتیبات بوده عبارتست از : ادب ، ماری ، تل اسمر ، تل عقرب ، خفاجه ، نیپور تللو ، کیش ، العبید ، اور – ساغر های سبک تپه یحیی در مو亨جودارو واقع در دره سند و در کولی دامب واقع در بلوچستان پاکستان نیز یافت شده است .

علاوه بر ساغر های لب برگشته نوع اوروک در تپه یحیی که دلیلی بر رو ابط تپه یحیی با غرب است در این تپه مقادیری ظروف نوع نال که یک نوع ظروف سفالی منقوش در دره سند است نیز بدست آورده اند که قدمت آن پیش از ظهور تمدن هاراپا میباشد و این امر خود نشانه ای بر تماس تپه یحیی با نواحی خاوری بشمار میرود . با وجود این مراتب تپه یحیی تنها نقطه مرکزی جنوب خاوری ایران نبوده ، بلکه احتمالاً یکی از چندین نقطه گم شده حکومت مؤتلف سرزمینهای پهناور عیلامی واقع بین تمدن های شرق و غرب است . شهر سوخته واقع در ۲۵۰ مایلی (۴۰۰ و کسری کیلومتر) شمال شرقی تپه یحیی بنظر میرسد نقطه مرکزی دیگری باشد که صادر کننده مرمر سفید و محل انتقال سنگ لاجورد از افغانستان به نقاط دیگر بوده است . نقاط رابط بین تپه یحیی و دیگر نقاط مرکزی احتمالاً نقاطی مثل تل ابلیس ، شهداد و بمپور بوده که قبلاً به شباهت ظروف سفالی آنها اشاره شد .

تصور میروند بازرگانی بین دره بین النهرین که از حیث مواد اولیه فقیر بوده با مردم ناحیه تپه یعیی موجبات فراهم شدن پایگاه اقتصادی و بازرگانی را برای بسط مدنیت در هزاره چهارم موجب گشته باشد و احتمالاً در تپه یعیی یک حوزه فرهنگی عیلامی بوجود آمده و بازرگانی این منطقه با نواحی شرقی انگیزه هائی را فراهم آورده که منجر به ظهور تمدن هاراپا در خلال هزاره سوم پیش از میلاد شده است.

عکس ۳— در سمت چپ نخستین شهر های که در امپراتوری سو مر درین شهرین سفلی بوجود آمدند دیده می شود . قدمی ترین نمونه های خطی در سو مر و سپلک ظاهر شدند . کشف خطر ط بر توعلامی در پانصد مایلی شرق فراز دارد نمودار وجود روابط بازار گانی بین این ناحیه ، با شهر های بین شهرین میباشد که منبع به ظهور شده های در این دور هزاره چهارم بیش از میلاد و هجدهیں بعدها باعث گسترش تهدنهای شمری در دره سند گردید .





عکس ۷- لوح های مکشوفه از تپه یحیی - تا بحال فقط ۶ لوح نوشته دار در تپه یحیی کشف گردیده است . این نوشته ها از نوع خطوط پر و تو عیلامی بوده و از راست بچپ بوسیله قلم نوک تیز بر متن گل نرم ایجاد شده است . مشابه این نوشته ها در شوش و سیلک نیز بدست آمده است .